



صدر عراق

امام به وجودش افتخار می‌کرد

سعید صدرائیان

شهید محمدباقر صدر با شروع نهضت اسلامی در ایران در سال ۱۳۴۲ ه.ش با موضع‌گیری قاطع به حمایت از حضرت امام (ره) پرداخت و پس از تبعید امام (ره) به نجف رابطه نزدیکی میان این دو عالم بزرگوار برقرار شد. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رژیم بعثی عراق فشارهای خود را بر ایشان بیشتر کرد اما شهید صدر با اعلام تبعیت از امام (ره) در برابر همه سختی‌ها مقاومت کرد. مردم عراق به منظور اعلام همبستگی با شهید صدر به سوی نجف حرکت کردند اما رژیم بعثی که از این قیام به وحشت افتاده بود با حمله به مردم حدود ۲۰ هزار زن و مرد را دستگیر و روانه زندان‌ها کرد. آیت‌الله صدر روز شانزدهم رجب ۱۳۵۸ را اعتصاب عمومی اعلام کرد و به دنبال آن مردم عراق دست از کار کشیده و مغازها را تعطیل کردند. فردای آن روز عوامل رژیم بعثی آیت‌الله صدر را دستگیر کرده و در پی این دستگیری، خواهر ایشان شهید بنت‌الهدی صدر نقش رهبری را بر عهده گرفتند. با اوج‌گیری اعتراضات، رژیم بعثی شهید صدر را موقتاً آزاد کرد اما پس از مدتی در ۱۶ فروردین سال ۱۳۵۹ با حمله به منزل ایشان مجدداً وی و خواهرشان را دستگیر و به بغداد منتقل کردند. پس از سه روز، این دو بزرگوار در زیر شدیدترین شکنجه‌های رژیم جنایتکار بعثی به شهادت رسیدند.

در کنار فعالیت‌های سیاسی شهید می‌توان به تاسیس حزب‌الدعوه و همکاری با جماعه‌العلماء اشاره کرد. وی در حوزه علمی نیز در کنار بنیان‌گذاری منطق استقرائی در حوزه علمیه نجف به تالیف کتاب‌های «اقتصادنا» و «فلسفتنا» اهتمام داشت که بیان جمله «ذوبنا فی الخمینی» که هو ذاب فی الاسلام / در خمینی ذوب شوید چنان که او در اسلام ذوب شده است، نشانه اعتقاد و نگاه او به امام خمینی است. از دیگر کارهای آیت‌الله صدر در جهت حمایت از انقلاب اسلامی ایران، تالیف سلسله کتاب‌های «الاسلام یقود الحیاه» در شش جلد بود که شامل بحث‌هایی نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت دولت اسلامی اقتصاد جامعه اسلامی و... می‌شود. این تعبیر رهبر انقلاب که «حوزه‌های علمیه امروز نیز محتاج شهید صدر و هر عنصر با همت و پرتوانی هستند که راه علمی و اسلام‌شناسی و جهانگردی وی را دنبال کردند» بیان‌گر جایگاه والای این شهید بزرگوار است.

ابتکارات شهید خامس

فهم پیشروانه از اقتصاد اسلامی



دکتر غلامرضا مصباحی مقدم

شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، شخصیت علمی و عملی جامعه بودند. ایشان از نظر جامعیت علمی علاوه بر فقهت و اجتهاد در مسائل فقهی، کلامی و تفسیری در مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز صاحب‌نظر بود. مادر در میان فقها کمتر شخصیت‌هایی هم‌چون شهید صدر (ره) و شهید مطهری (ره) داریم که حوزه تفکر آنان جامع است و جامعیت اسلام در وجود آن‌ها متبلور شده است. به‌گونه‌ای که هم در میدان علم قلم زده‌اند و هم در میدان جهاد و شهادت قدم زده‌اند.

طبیعتا عظمت شخصیت شهید آیت‌الله صدر اقتضا می‌کند که انسان در مقابل او خضوع کرده، حد خود را بشناسد و بداند که اگر در مورد ایشان سخن می‌گوید، حتما سخنان ناقص هستند و از رسایی در برابر شخصیت وی ناتوانند و انسان نمی‌تواند شناختی مناسب از این شهید بزرگوار ارائه کند.

در اینجا ما تنها به یک بعد از آن شخصیت جامع می‌پردازیم که بُعد دانش اقتصادی ایشان است. ایشان خلاق، مبتکر و بنیانگذار اندیشه‌ای جدید است. ما پیش از شهید صدر در کل جهان اسلام شخصیتی را نداریم که از منظر اسلام به اقتصاد نگاه کرده باشد؛ البته بعد از ایشان بزرگانی در این راستا گام برداشته‌اند اما به یک معنا چه در میان شیعه و چه در میان اهل سنت همه به‌گونه‌ای از آیشخور علم شهید صدر و الگوی ایشان بهره گرفته‌اند.

■ موقعیت شهید صدر در میان اهل سنت

بنده موقعیت شهید صدر را در میان اهل سنت بهتر یافته‌ام، تا در میان شیعه. چراکه مثلا از هر از نظریات این عالم به‌خوبی استفاده کرده و «اقتصادنا» در آنجا تدریس می‌شود و متفکران تونس، مغرب و الجزایر هم از دیدگاه‌های شهید صدر استفاده کرده‌اند و هم‌چنین دیگر محققان اقتصاد اسلامی اهل سنت در نوشته‌های‌شان بارها از آثار شهید صدر بهره برده و به آن ارجاع داده‌اند.

ابتکار شهید صدر این است که در درجه

اول، اسلام را به‌عنوان مکتبی جامع دیده، شناخته و معرفی کرده است و معتقد است این نظام جامع، حاوی پاره‌نظام‌هایی است مانند نظام عبادی اسلام، نظام سیاسی اسلام، نظام اقتصادی اسلام، نظام حقوقی اسلام و... یعنی اسلام را به‌شکل نظام‌واره معرفی می‌کند. کمتر شخصیتی از میان عالمان دین این‌گونه به این مسائل اسلامی نگاه کرده است.

این نگاه شهید صدر به ما نشان می‌دهد که: ۱. اسلام دارای اساسی است که همان فرهنگ، اعتقادات و ارزش‌هاست. ۲. دارای نظام‌هایی کامل و به‌هم‌پیوسته است که به یکدیگر مرتبط بوده، همدیگر را یاری می‌رسانند. ۳. اهدافی را مانند تربیت انسان، ارتقای شخصیت انسان، مدیریت بشر و جامعه بشری دنبال می‌کند. بنابر این نگاه نظام‌واره، طبیعتا اگر بخشی از اسلام پیاده شود و بخشی دیگر فرو گذاشته شود، نباید انتظار داشت که اسلام همه نتایج مطلوبش را محقق کند. بلکه آنگاه این نظام می‌تواند ثمرات خودش را به‌خوبی بدهد که به‌صورت جامع و متوازن و همگام با هم پیش برود. یعنی مسائل اعتقادی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن در چارچوب نظام‌های مربوط به هم پیاده شود. همان‌طور که خود مکتب اسلام یک نظام جامع است و باید به‌صورت نظام‌واره شناخته و معرفی بشود، بر این اساس اگر دولتی پیاده و اجرا بشود. بر این اساس اگر دولتی یا حکومتی به این فکر افتاد که بخشی از این مجموعه را پیاده بکند، باید بداند که اقدام ناقصی انجام داده و این اقدام نمی‌تواند موفق باشد. شاید در بخش‌هایی توفیقاتی را پدید بیاورد اما حاصل، یک کار یکتاوار از اسلام خواهد بود، نه معرفی اسلام آن‌چنان که هست.

■ چارچوب اقتصاد اسلامی

شهید صدر، معتقد است: اقتصاد اسلامی دارای چارچوبی است که از اندیشه‌ها، افکار، عواطف و احساسات تشکیل شده و بستر و زمینه‌ای را فراهم می‌کند و سپس اقتصاد اسلامی در این بستر است که می‌تواند رشد و نمو کند و به پیش برود. پس باید آن چارچوب را شناخت و مبنای آن قرار داد.

■ تقسیم مباحث اقتصاد اسلامی از نگاه شهید صدر

شهید صدر برای دستیابی به مباحث اقتصاد



ابتکار شهید صدر این است که در درجه اول، اسلام را به‌عنوان مکتبی جامع دیده، شناخته و معرفی کرده است.

وضعیت مطلوب را ذکر می‌کنند، نه اینکه توصیف وضعیت موجود باشند. بخش دیگر، علم اقتصاد است که «واقعیت‌ها» و «هست‌ها» را برای ما در عرصه این علم بیان می‌کند؛ به این معنا که رخدادهای اقتصادی هم‌چون چگونگی تولید، چگونگی توزیع، چگونگی مصرف و واقعیت‌های اقتصادی جامعه را توصیف می‌کند و روابط بین پدیده‌ها را توضیح می‌دهد، تبیین و گاهی پیش‌بینی نیز می‌کند.

در اینجا دو حوزه معرفتی وجود دارد. اگر سخن از اقتصاد اسلامی به‌عنوان مکتب باشد، مربوط به حوزه بایدها و نبایدها خواهد شد که در شریعت و به زبان وحی بیان شده است. گاهی این بایدها و نبایدها به‌شکل مستقیم و با صراحت و شفافیت در آیات و روایات ذکر شده و گاهی بایدها و نبایدهای عملی هستند که می‌بایست از آن‌ها به بایدها و نبایدهای نظری راه پیدا کرد و وظیفه محقق این است که در میان این مجموعه بایدها و نبایدهای شریعت، به‌دنبال بخش‌هایی باشد که قابلیت ادغام و ارتباط یافتن را داشته باشد. اگر پژوهشگر این هنر را داشت به اصول بایدها و نبایدها که همان مکتب اقتصادی است، راه پیدا می‌کند و به آن‌ها دست خواهد یافت.

■ اقتصاد اسلامی در بیان شهید صدر

هنر شهید صدر اولا فهم، بیان و معرفی این روش و ثابا کاربرد آن است. شهید صدر

اسلامی، تقسیمی را مطرح کرده‌اند. بخش نخست، مباحث مذهب اقتصادی است که امروزه به مکتب اقتصادی یا سیستم اقتصادی ترجمه می‌شود و بخش دیگر، مباحث علم اقتصاد است.

مباحث مکتب اقتصادی به‌دنبال آن است که ارزش‌ها و آرمان‌های یک جامعه را در مورد اقتصاد تبیین کند به این معنا که بایدها و نبایدها را توصیف می‌کند و توضیح می‌دهد؛ مثل مکتب سرمایه‌داری که آرمان‌ها (اهداف دست‌یافتنی) و بایدها و نبایدهای سرمایه‌داری است. در اقتصاد اسلامی هم ارزش‌ها، هنجارها، باورها و بایدها و نبایدها در قالب مکتب اقتصادی مطرح می‌شود. همین بایدها و نبایدهای کلان و گاهی جزئی است؛ به‌تعبیر شهید صدر، «الخطوط العریضه» یا خطوط درشت، نشان‌دهنده مکتب اقتصادی هستند و بالطبع، خطوط ریز که نقشه را تکمیل می‌کنند، جزئیات آن مکتب هستند. ولی همواره بایدها و نبایدها

پیش از شهید صدر شخصیتی را نداریم که از منظر اسلام به اقتصاد نگاه کرده باشد؛ البته بعد از ایشان بزرگانی در این راستا گام برداشته‌اند

در جلد دوم «اقتصادنا» این روش را به کار می‌گیرد، عملیاتی و به مکتب اقتصادی اسلام دست پیدا می‌کند. شهید صدر ابتدا به صورت اجمالی و سپس به صورت تفصیلی این روش را معرفی می‌کند. وی در معرفی اجمالی، اقتصاد اسلامی را بر سه پایه و ستون مطرح می‌کند: «مالکیت مزدوج یا چندوجهی و چندگونه»، «آزادی اقتصادی در قلمرو محدود و مشخص» و «عدالت اقتصادی و برقراری توازن» که شهید صدر آن را با عنوان «توازن اجتماعی» بیان می‌کند. این ستون‌ها نشان‌دهنده ارکان و پایه‌های اصلی اقتصاد اسلامی هستند.

شهید صدر سپس ویژگی‌هایی را برای اقتصاد اسلامی ذکر می‌کند از جمله: واقعی بودن اقتصاد در اسلام، واقعی و اخلاقی بودن هدف و واقعی و اخلاقی بودن روش. پس از این مرحله دست به استنباط می‌زند و مکتب استخراج می‌کند. فقیه گاهی استنباط حکم می‌کند که در آن از طریق مراجعه به کتاب و سنت پاسخ به سوالی را می‌یابد و استنباط فقهی می‌کند، اما گاهی استنباط مکتب و نظام‌واره می‌کند. در این صورت دیگر درصدد این نیست که یک حکم فقهی بیان بکند، بلکه از مجموعه‌ای از احکام فقهی همخوان و هماهنگ، اصول را استخراج می‌کند و با مرتبط کردن اصول با هم آن نظام‌واره مورد نظر را که مثلاً مکتب اقتصادی است، ارائه می‌کند.

تفکیک قوانین طبیعی از قوانین انسانی در علم اقتصاد

حال در حوزه علم اقتصاد ورود می‌کنیم. ایشان بسیار زیبا بیان می‌کند که علم اقتصاد حاوی دو دسته مسائل علمی یا قوانین است. برخی از قوانین مربوط به طبیعت است. این گونه قوانین، شبیه قوانین فیزیک و شیمی هستند؛ مانند قانون بازده نزولی که مربوط به طبیعت است. این قانون می‌گوید: شما از یک هکتار زمین با استفاده از مقداری بذر، مقداری کود، مقداری آب، مقداری سم، تعدادی نیروی انسانی و ابزار آلات کار می‌توانید محصولی را به دست بیاورید. شما در این عوامل تولید، تغییراتی می‌دهید و آهیانا بازدهی شما افزون می‌شود، سیر صعودی می‌گیرد و به نقطه بهینه می‌رسد. اگر از آن نقطه بهینه، هر یک از این عوامل را دستکاری بکنید، بازدهی شما نزولی خواهد شد. این قانون بازدهی صعودی و نزولی، کارکرد طبیعت در اقتصاد را نشان می‌دهد. این بخش از علم اقتصاد که بسیار هم کوچک است و تعداد قوانین آن محدود است، میان مکاتب مختلف اقتصادی تفاوتی ندارد و در هر جامعه‌ای از جوامع

بشری همین کارکرد را دارد و از این جهت اگر سخن از علم اقتصاد به صورت جهانی بشود، صرفاً محدود به این گونه قوانین اندک و محدود است، اما اگر از طبیعت در اقتصاد فراتر رفتیم، به بخش انسانی اقتصاد خواهیم رسید.

سایر قوانین علم اقتصاد مربوط به توضیح رفتار انسان‌ها و چگونگی اعمال اراده انسان‌ها در عرصه اقتصاد است. تولیدکننده زمانی تولید بیشتری خواهد داشت که قیمت محصول او بیشتر شود و مشتری بیشتری پیدا کند و زمانی اقدام به کاهش تولید خواهد کرد که تولیدات او مشتری کمتری داشته و برای او به صرفه نباشد. قیمت، عامل موثر در رفتار تولیدکننده است. عکس این موضوع را در مصرف‌کننده می‌بینیم. مصرف‌کننده آنگاه که مشاهده کند محصولی با قیمت ارزان‌تر عرضه می‌شود، خرید بیشتری انجام خواهد داد و زمانی که محصول با قیمت بالا در دسترس باشد، خرید کمتری می‌کند پس رفتار مصرف‌کننده ناشی از اعمال اراده او در برابر قیمت است.

قیمت، عرضه و تقاضا، پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی هستند و حاصل چگونگی اعمال رفتار انسان‌ها در عرصه اقتصاد. این گونه قوانین مربوط به بخش انسانی اقتصاد هستند نه بخش طبیعی اقتصاد و تنها از این باب که این رفتارها تکرار شده و به صورت قاعده درآمده اسم قانون روی آن گذاشته‌اند، ولی هرگز قانون طبیعی نیست، بلکه برمی‌گردد به مکتب اقتصادی‌ای که بر ذهن و فکر انسان‌ها در آن جامعه حاکم و غالب شده و بستری را برای شکل‌گیری این قوانین شکل داده است. از این جهت بخش اعظم علم اقتصاد، مبتنی بر بستر مکتب اقتصادی است، نه فارغ از مکتب.

اقتصاد درون سیستمی و درون مکتبی

محققان اقتصاد دنیا کتاب‌های اقتصاد خرد، کلان، توسعه، پول، بانک و... نوشته، در اختیار ما قرار داده‌اند و ما نیز ترجمه کرده‌ایم و تدریس می‌کنیم، اما این افراد

شهید صدر در کتاب اقتصادنا عنوان «الاقتصاد الاسلامی لیس علمای اقتصاد اسلامی علم نیست» را آورده است که اگر کسی به این عنوان بسنده کند، دچار اشتباه می‌شود

پس زمینه ذهنی داشته‌اند؛ پس زمینه ذهنی جامعه و انسان‌هایی که مورد مشاهده، توصیف و توضیح آنان بوده و نیز رفتاری که در عرصه واقعیت اقتصادی آن جامعه از سوی تولیدکننده و مصرف‌کننده روی داده است. تا اینجا کار آن محققان درست بوده است، اما اینکه قوانین رفتار در آن جامعه را قوانین رفتار اقتصادی در جهان بدانیم و آن قوانینی جهانی و طبیعی تلقی کنیم، خطایی بزرگ است. پس باید بپذیریم که بخش اعظم قوانین علم اقتصاد، درون سیستمی است نه فراسیستمی؛ درون مکتبی است نه فرامکتبی.

اگر این باور در میان اساتید، دانشجویان و محققان ما پدید بیاید، راهی را برای یک حرکت علمی تازه و توسعه مرزهای دانش و ایجاد جایگزین نسبت به قوانینی که به ما آموزش داده می‌شود با توصیف رفتار مبتنی بر چارچوب‌های ارزش‌ها و هنجارهای دینی باز کرده‌ایم.

اشتباه رایج در مورد شهید صدر

شهید صدر در کتاب اقتصادنا عنوان «الاقتصاد الاسلامی لیس علمای اقتصاد اسلامی علم نیست» را آورده است که اگر کسی به این عنوان بسنده کند، دچار اشتباه می‌شود. البته سخن شهید صدر غلط نیست و ایشان به خوبی مقصود خود را بیان کرده است، ولی اکتفا به این عنوان برای فهم جامع مسئله، غلط‌انداز است. مقصود شهید صدر از این مطلب این است: «آنچه به عنوان اقتصاد اسلامی در دسترس ماست، مکتب اقتصادی است، نه علم». اما بلافاصله به ارائه دو طریق و راه مبتنی بر فقه و مبانی اسلامی برای نظریه پردازان در علم اقتصادی پردازد.

راه اول مورد نظر شهید صدر این است که صبر کنیم با یک اقدام سیاسی بزرگ، جامعه اسلامی به صورت کامل شکل گیرد و تولید، توزیع، مبادله و مصرف در آن جامعه اسلامی کامل، موضوع مطالعه محققان اقتصاد قرار بگیرد. تفاوت قوانین رفتار مسلمان در مقابل قوانین رفتار غیرمسلمان در مثلاً تولید در این جامعه بروز داده می‌شود. شهید صدر به توضیح می‌پردازد و می‌گوید: برای نمونه جامعه غربی براساس اندیشه صرفاً مادی شکل گرفته و انسان‌ها، بنگاه‌های اقتصادی، تولیدکنندگان و... به دنبال منفعت حداکثری‌اند و به چیزی جز نفع خود فکر نمی‌کنند، ولی جامعه اسلامی چنین جامعه‌ای نیست، بلکه جامعه‌ای تربیت یافته است و فهم انسان‌های آن نسبت به منفعت از فهم منفعت شخصی و مادی فراتر رفته است. آن‌ها هم به دنبال منفعت هستند، اما نه فقط منفعت شخصی چراکه به دنبال ترکیبی از منافع خود و دیگران هستند. با نگاهی به آیات قرآن مشاهده

خواهید کرد که خداوند تعالی با همین ادبیات قابل فهم عامه مردم از تجارت سخن می‌گوید. آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ/خداوند از مومنان، جان‌ها و اموالشان را در ازای اینکه بهشت برای آنان باشد، خریداری کرده است». «یا ایها الذین آمنوا هَلْ أَذْكَرُمْ عَلَىٰ تَجَارَةِ تَنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؟ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ/ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟! به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما از هر چیزاً بهتر است، اگر بدانید». این هم تجارت است به این معنا که برای انسان نفع طلب، منفعت اخروی را به بیان مادی و قابل فهم تبیین و توصیف می‌کند. بدین سان جامعه‌ای شکل می‌گیرد که هدف برای انسان‌های آن منفعت دنیا و آخرت است نه فقط منفعت دنیا. اینجا است که اقتصاد همراه با معنویت و اخلاق و هم‌چنین مادیات به همراه معنویت، اخلاق و ارزش‌ها، برای فرهنگ جامعه اسلامی معنا پیدا می‌کند و در نتیجه توصیف رفتار چنین جامعه‌ای با جامعه غربی متفاوت خواهد بود.

بر این اساس اگر صبر کنیم که چنین جامعه‌ای محقق شود، آنگاه می‌توانیم علم اقتصادی را استنباط و کشف کنیم که مسائل، فرض‌ها و نتایجش بسیار متفاوت خواهد بود و اساساً دامنه متفاوتی پیدا خواهد کرد.

شهید صدر سپس می‌گوید: این راه نیازمند صبر و تحمل بسیاری است تا چنین جامعه‌ای شکل بگیرد، اما «ولنفتقرض افتراضاً» یعنی ما می‌توانیم قبل از اینکه چنین جامعه‌ای تحقق عینی و خارجی پیدا کند، فرض کنیم محقق شد و براساس آن فرض، پیش‌بینی می‌کنیم اکنون وقوع چه اتفاقاتی در عرصه‌های گوناگون تولید، اشتغال، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... مورد انتظار خواهد بود.

البته این سخن (تفاوت خروجی علمی در جوامع مبتنی بر مکاتب مختلف) منحصر به شهید صدر هم نیست و کسی مثل مرحوم دکتر عظیمی که از اساتید پخته و نخبه اقتصاد است نیز چنین دیدگاهی را ارائه کرده است. اساتید و دانشجویان علم اقتصاد باید واقعا به تکاپو بیفتند و این خواسته شهید صدر را دنبال کنند البته خوشبختانه طی چند دهه اخیر آثار، کتب و پایان‌نامه‌های خوبی در این عرصه و با رویکرد بازنگری رشته و علم اقتصاد و هم‌چنین مبتنی کردن علم اقتصاد براساس مبانی اسلامی تدوین شده است. ■



به اعتقاد شهید صدر ساخت اسلامی ایران، تنها با تغییر ظاهر و نام‌ها انجام نمی‌شود.

هویت جهادی ملت ایران

نامه‌های شهید صدر
پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

شهید سید محمد باقر صدر در اواسط محرم سال ۱۳۹۹ هجری قمری و در آستانه انقلاب اسلامی ایران نامه‌ای سرگشاده خطاب به ملت مسلمان ایران به رشته تحریر درآورد و آن را در تاریخ پنج صفر ۱۳۹۹ هجری قمری به صورت تلفنی به بیت امام خمینی (ره) در پاریس منتقل کرد. در این نامه به نکات عجیب، عمیق و دقیقی درباره انقلاب اسلامی ملت ایران آن هم پیش از پیروزی آن اشاره شده است. هم چنین اشاراتی به جایگاه آینده انقلاب در جهان و نیز اهمیت آن در رشد و تقویت اسلام ناب داشته است. جایگاه رهبری بی‌بدیل امام خمینی (ره) از دیگر موضوعات مورد توجه شهید صدر در این نامه تاریخی است که برای اولین بار متن کامل آن در ادامه می‌آید:

این ملت عظیم حصار را که حاکمان و رهبران آن‌ها (یعنی استعمارگران کافر) می‌خواستند بر کل وجود این ملت بکشند، شکست. تا جریان «مشروطه» که در حالی که جهان اسلام غرق در گونه‌های اسفباری از استبداد بود، فرزندان شریف و آزاده این کشور عظیم در برابر انواع زورگویی و استبداد مقاومت کردند... تا اقدامات امروز این ملت مبارز که طی آن قربانی‌های بسیاری داده و می‌دهند و با وجود این روز به روز بر ایمان و ایستادگی‌شان افزوده می‌شود و روحیه جهادی‌شان قوت می‌گیرد. با بررسی این حماسه‌های دلیرانه عمق شخصیت مذهبی مسلمان ایرانی و نقش بزرگی که نگرش دینی او و پایبندی محکم وی به عقیده، رسالت و مرجعیتش در میدان‌های این جهاد سلحشورانه ایفا می‌کند، به خوبی نمایان می‌شود. در تمام این حماسه‌ها ملاحظه می‌کنیم که روحیه

بسم‌الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی محمد خیر خلقه و علی الهدایم المیامین من آله الطاهرین.
از آنجا که مادر نجف اشرف با تمام وجودمان با ملت مسلمان ایران زندگی می‌کنیم و در دردها و آرزوهایش خود را شریک می‌دانیم، ایمان داریم که این ملت بزرگ اثبات کرده است که همواره ملتی سرافراز و شجاع بوده و خواهد بود و می‌تواند در راه قضیه‌ای که به آن ایمان دارد و هدف و کرامتش را در آن می‌بیند، فداکاری و مقاومت کند.
اگر مسیر این ملت جهادی را در بازه‌های از این قرن مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم که این ملت در طول این مدت همواره - با شجاعت و ایمان - در راه حفظ کرامت خود و محقق ساختن آرمان‌های نیک و اهداف عالی‌اش، وارد نبردهای دلیرانه متعددی شده است؛ از ماجرای «تنباکو» که در آن،

دینی، چشمه خشکی ناپذیر این حرکت بوده و همواره شعارهای بلند اسلامی در میادین مطرح شده است و مرجعیت حکیمانه، پیشوایی بوده است که مردم مومن گرد او جمع شده و در مقاومت و جهاد خود از او الهام گرفته‌اند. صادقانه‌ترین و واقعی‌ترین هویت یک ملت، هویتی است که آن را در عرصه جهاد و ایثار و از خود گذشتگی به نمایش می‌گذارد و واضح‌ترین و آشکارترین نمایشی که یک ملت می‌تواند از هویت مبارزهای خود به ظهور برساند، نمایشی است که ملت مسلمان ایران ارائه کرده و در نبردهای شریف خود، هویت اسلامی‌اش را متجلی ساخته است؛ چه اینکه در تمام این حماسه‌ها بسیج مردم تحت لوای اسلام انجام می‌پذیرفت و عواطف و دل‌های مردم بر محور اسلام متحد می‌گشت و این نیروهای معنوی و مرجعیت صالح بودند که ملت را در این مبارزه مقدس رهبری می‌کردند.

اگرچه ملت مسلمان ایران همواره هویت جهادی اصیل خود را نشان داده است، اما نهضت زنده و معاصر آن به رهبری مرجع دینی حضرت آیت‌الله خمینی به دلیل استمرار رو به رشد و حجم فداکاری‌ها و مقاومتی که از خود بروز داده است، بهترین تجلی این هویت است و ما باور داریم که این هویت جهادی مومنانه که ملت ایران با آن خود را شناسانده و می‌شناساند، یکی از بزرگ‌ترین ذخایر و قوایی است که اسلام در تاریخ جدید خود به دست آورده است. این شخصیت سلحشور در گذر تجربه‌های جهادی مستمر ملت مسلمان ایران به حقایقی اشاره می‌کند که بسیار روشن و آشکار است و باید چارچوبی اساسی و ثابت برای دیدگاه این ملت نسبت به راه پیش رویش باشد.

یکی از این حقایق ثابت این است که ملت مسلمان ایران به میزان پیوند و ارتباط با رهبر معنوی و مرجعیت دینی حکیمانه در مبارزه به پیروزی دست یافته است و هر بار که با آگاهی از این حقیقت و پیوند و ارتباط کامل با رهبران و مرجعیت دینی حکیمانه به میدان آمده است، شعارهای خود را به

واقعیت بدل کرده است. اما هرگاه که این ملت مجاهد از این حقیقت غافل شده یا به غفلت کشیده شده است با سرگشتگی و توطئه مواجه شده است.

بنابراین رهبران معنوی و مرجعیت حکیمانه، دژ مستحکمی در برابر انواع سرگشتگی و انحراف هستند.

یکی دیگر از این حقایق این است که این رهبران معنوی هر چقدر با یکدیگر همبستگی و اتحاد و مشارکت بیشتری داشته‌اند، نقش خود را بهتر ایفا کرده‌اند و هرگاه که ملت مسلمان ایران به پیروزی رسیده است، این همبستگی و اتحاد در تحقق آن پیروزی نقش بسزایی داشته است. یکی دیگر از این حقایق این است که این انقلاب شکوهمند برای تضمین موفقیت خود در رسیدن به هدف اسلامی‌اش باید از یک دیدگاه روشن، تفصیلی و جامع که دربرگیرنده مفاهیم و احکام اسلامی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی است، برخوردار باشد. هر چقدر در بنیان‌های فکری و پشتوانه اعتقادی انقلاب این دیدگاه دقیق و تفصیلی که ویژگی‌های فکری هویت مبارزهای را مشخص می‌کند، وجود داشته باشد، انقلاب قدرت بیشتری برای ایجاد تغییر و تحقق اهداف اسلامی پیدا می‌کند و با توان بیشتری از شخصیت اعتقادی خود در برابر نفوذ دیگران دفاع می‌کند.

انقلاب شکوهمندی که امروز مبارزه ملت مسلمان ایران را رهبری می‌کند، اکنون که به مرحله‌ای حساس از مسیر خود رسیده و وفاداری و حمایت مردم (همه مردم) را جلب کرده است، بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد که با یک چشم به نیازهای فعلی مسیر بنگرد و با چشمی دیگر نیازهای آینده‌اش را رصد کند؛ به این صورت که - از هم‌اکنون - مشخصات دیدگاه تفصیلی خود را که به ایدئولوژی و رسالت اسلامی‌اش مربوط می‌شود، تعیین کند و همان‌طور که در نگاه به نیازهای فعلی مسیر و ارزیابی آن‌ها و نیز تعیین گام‌های حرکت، با مرجعیت دینی در ارتباط است در نگاه دوم - که تعیین مشخصات ایدئولوژی کامل اسلامی است - نیز به مرجعیت دینی که مبارزه این ملت را رهبری کرده است، بپیوندد زیرا مرجعیت منبع شرعی و طبیعی آشنایی با اسلام و احکام و مفاهیم آن است.

این انقلاب شکوهمند به همه جهانیان فهماند که این تصور که اسلام فقط با مارکسیسم مبارزه می‌کند و دغدغه‌ای برای مقابله با طرف دیگر ندارد، پنداری باطل است و به نظر ما این خود یک دستاورد بزرگ دیگر برای این انقلاب است؛ چه اینکه برخی از این پندار غلط سوء استفاده کرده و در پی آن بودند که به مبارزه اسلامی هویت

این انقلاب شکوهمند
به همه جهانیان
فهماند که این تصور
که اسلام فقط با
مارکسیسم مبارزه
می‌کند و دغدغه‌ای
برای مقابله با طرف
دیگر ندارد، پنداری
باطل است

بعد از آن جامعه اسلامی بتواند به وحدت برسد و بین مذاهب آن تقریب به وجود آید والا هیچ یک از آسیب‌هایی که جهان اسلام را تهدید می‌کند از بین نخواهد رفت. امروز یکی از مهم‌ترین نیازهای جهان اسلام، احیای احیایگران است. طرح‌های احیایگری که در جهان اسلام به خصوص در دو قرن اخیر به دلیل خصوصیات و ویژگی‌های خاص وجود داشته را باید زنده کنیم تا متناسب با نیازهای روز جامعه باشد. شهید صدر از برجسته‌ترین احیایگران بود. من به چشم خود دیدم شهید صدر در مراسم فاتحه‌خوانی یکی از دوستان وقتی وارد مجلس شد، بدون اینکه توجه به بالای مجلس بکند، همانجا کنار در ورودی و در نزدیکی کفش‌ها روی زمین نشست. خاطرم هست هر چقدر به وی اصرار کردند که جابه‌جا شود، نپذیرفت. این ویژگی مهمی از احیایگران است چون کسانی که منیت ندارند، عاشق هستند. عشق از رهایی منیت‌ها آغاز می‌شود. شهید صدر به آرمان بزرگی وابستگی داشت. طبیعت انسان‌ها آرمانگراست، اما آرمان انسان‌های مختلف با هم تفاوت دارد. اگر بخواهم شخصیت شهید صدر را در یک کلمه بیان کنم، می‌گویم ایشان نمونه بارز احیایگری در شخصیت‌های جهان اسلام بودند. احیایگری یک مسئله اساسی در اسلام است. اصلا هدف اسلام احیایگری است. هدف کل انبیا (علیهم‌السلام) و اولیا احیایگری بوده است.

■ از جنبه‌های کمتر شنیده شده از شهید صدر برای ما بگویند.

شهید صدر استاد بزرگ فقه و اصول بود، اما همین فقه و اصول را به ستمی سوق داد که پاسخگوی نیاز جامعه باشد. مکتب علمی شهید صدر در جهت پاسخ به نیازهای جامعه بود. تلاش می‌کرد بفهمد که در ذهن جوانان چه می‌گذرد و جامعه به چه سمتی حرکت می‌کند تا خط سیر آن را به سمت آرمان بزرگ هدایت کند. در یک برهه‌ای احساس کرد که مردم به مسائل فلسفی اعتقاد دارند. آن زمان اوج شیوع فلسفه مارکسیستی در عراق، جهان عرب و حتی در ایران بود. احساس کرد که باید به این نیاز مردم پاسخ داد و همین باعث شد که کتاب «فلسفتنا» را نوشت تا با همان زبان رسا و عمیق پاسخ نیازهای این جامعه را بدهد. تمام منابع مارکسیستی را به دست آورد و تا جایی که می‌توانست منابع مکتب سرمایه‌داری را هم جمع‌آوری کرد. آن‌ها را مطالعه کرد و سعی کرد کتاب‌های فارسی را هم در این باره مطالعه کند. طرحی ارائه داد برای فلسفه اسلامی در مقابل فلسفه مارکسیستی و لیبرال دموکراتیک، که این کتاب اوج گرفت و مورد استقبال بود. با زبان جهانی صحبت کرد به همین دلیل



بررسی ابعاد ناگفته زندگی شهید صدر در گفت‌وگو با محمدعلی آذرشب

صدر شهید انقلاب اسلامی بود

فاطمه کرمانی

محمدعلی آذرشب، استاد دانشگاه تهران و عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و از شاگردان شهید سیدمحمدباقر صدر و شهید سیدمحمدباقر حکیم است. وی در سال‌های تحصیل خود در دانشگاه بغداد از راهنمایی‌ها و آموزش‌های شهید صدر بهره‌مند و در مقطع کارشناسی موفق به ارائه پایان‌نامه تحت راهنمایی شهید سیدمحمدباقر حکیم شده است. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی ما با ایشان است.

اخیر مقام معظم رهبری در جمع مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، شش بار عبارت تمدن‌سازی نوین اسلامی تکرار شد. گویا رهبر انقلاب قصد داشتند بگویند که اگر می‌خواهید وحدتی در جهان اسلام به وجود آمده و کرامت و عزت داشته باشیم، باید احیایگری و تمدن‌سازی صورت گیرد تا

■ لطفاً به عنوان فردی که سال‌ها در کنار شهید صدر بوده‌اید در ابتدا قدری از فضای فکری و اندیشه‌ای ایشان و به‌طور کلی از منش و خصوصیات ویژه ایشان بفرمایید. احیایگری و تمدن‌سازی نوین اسلامی موضوعی بسیار مهم است. در سخنان

عقب‌ماندگی و دنباله‌روی بدهند، اما در جریان انقلاب شکوهمندی که ملت ایران به نام و با قدرت اسلام و تحت رهبری مرجعیت دینی و ضد رژیمی که بیشترین فاصله را با مارکسیسم و مارکسیست‌ها دارد، به راه انداخت، این تصور اشتباه به کلی از بین رفت و ثابت شد که اسلام، رسالت و اصالت خاص خود را در مبارزه دارد و همان اسلامی که ضد مارکسیسم قیام می‌کند، در برابر همه انواع ظلم و استبدادی ایستد.

انقلاب شکوهمند ایران باید این دستاورد را عمیق‌تر کند و در اذهان همه روشنی بیشتری به آن ببخشد و این مهم به این شکل محقق می‌شود که مظاهر و ویژگی‌های دیدگاه تفصیلی و ایدئولوژی متمایز خود را بیشتر و بیشتر مطرح کند.

این انقلاب شکوهمند هم‌اکنون که مردم به رهبری اسلامی آن اعتقاد پیدا کرده‌اند - باید در سطح این مرحله باشد و عمق مسئولیت‌سنجینی را که برای تحقق اهداف بزرگ مبارزه در فرایند تغییر بر عهده دارد، درک کند زیرا ساخت اسلامی ایران، تنها با تغییر ظواهر و نام‌ها انجام نمی‌شود، بلکه - افزون بر این - باید محتوا نیز از همه ریشه‌های فاسد پاک شود و با مضامین نو و زنده‌ای پر شود که ارزش‌های قرآنی و اسلامی مربوط به عرصه‌های مختلف زندگی، در آن جریان داشته باشد. بی‌شک شجاعت و بالندگی بی‌مانندی که این انقلاب در مبارزه با وضعیت فاسد و از بین بردن آن از خود نشان داد، شایستگی خود را برای درک این مسئولیت‌ها با عمق روحی، اجتماعی و تاریخی‌شان، تأیید می‌کند.

از خداوند متعال می‌خواهیم که به قربانی‌های بزرگی که ملت ایران در سایه رهبری علمای اعلام تقدیم کردند، عنایت فرموده و خون‌هایی را که سفاکان بر زمین ریختند، شعله‌هایی نورانی قرار دهد که ایران را از ظلمات استبداد و انحراف بیرون برده و به سرمنزل اجرای کامل اسلام در همه عرصه‌های زندگی برساند.

این کاروان اخیر کشتگان در مشهد مقدس نیز قسمت دیگری از جنایات ستمگران است. خداوند متعال این کشتگان را غرقه دریای رحمت خویش فرماید و ایشان را به شهدا و صدیقیان و صالحین ملحق بگرداند؛ «و حسن اولئک رفیقاً/ و آن‌ها رفیق‌های خوبی هستند»، «والعاقبه للمتین/ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است»، «و سیعلم الذین ظلمو اى منقلب ینقلبون/ و آن‌ها که ستم کردند به‌زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست».

نجف‌اشرف

■ محمدباقر صدر

دره‌بین

■ امروز یکی از مهم‌ترین نیازهای جهان اسلام، احیای احیایگران است. طرح‌های احیایگری که در جهان اسلام به‌خصوص در دو قرن اخیر به‌دلیل خصوصیات و ویژگی‌های خاص وجود داشته و باید زنده کنیم تا متناسب با نیازهای روز جامعه باشد.

■ شهید صدر در خانواده‌ای زندگی کرد که اصیل، اهل علم و تحصیل‌کرده بودند. مرحوم سیداسماعیل صدر برادر شهید صدر نمونه انسان اهل فضل و عمل بود که ما در کاظمین بسیار خدمت ایشان می‌رسیدیم.

■ هر حکومتی آمد یا به غرب یا به شرق وابسته بود. حکومت‌ها مزدور و بی‌توجه به ارزش‌های انسانی بودند. شهید صدر نمی‌توانست نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشد. از این رو اولین چیزی که مورد توجه وی قرار گرفت تشکیل حزب و ایجاد تشکیلات منسجم بود. به همین خاطر با عده‌ای از علما «حزب الدعوة اسلامی» را تاسیس کردند.

به تمام زبان‌های دنیا ترجمه شد. این کتاب بارها در عربستان سعودی چاپ شد. این کتاب در دست مردم، در حلقه‌های علمی، مساجد و دانشگاه‌ها دست به دست می‌چرخید. خاطرهم هست در سمیناری در کویت شرکت کردم که در آن سمینار دو نفر از کشور مراکش مرتب از کتاب فلسفتنا صحبت می‌کردند. از آن‌ها سوال کردم که این کتاب را از کجایم شناسید؟ پاسخ دادند این کتاب تنها منبعی بود که می‌توانستیم در مقابل فلسفه مارکسیستی از آن استفاده کنیم.

شهید صدر در برهه‌ای از زندگی خود احساس کرد که مسئله اقتصاد، مسئله اول جامعه است و جامعه با فقر درگیر شده است. این مسئله باعث شد که به‌دنبال اقتصاد اسلامی باشد. به همین خاطر کتاب «اقتصادنا» را نوشت. کتابی که بخش اول آن اقتصاد اسلامی و بخش دوم آن پاسخ به شبهات و نظرات مارکسیستی و لیبرال دموکراتیک است. این کتاب زاینده شناخت از نیاز جامعه بود.

■ رابطه شما با شهید صدر چگونه شکل گرفت؟

از ۱۹ سالگی با ایشان آشنا شدم. زمانی که در بغداد دانشجو بودم، روزهای تعطیل پنجشنبه و جمعه به‌همراه سایر دانش‌جویان و بدون وقت قبلی به بغداد می‌رفتم تا با شهید صدر ملاقات کنیم. از

ما استقبال می‌کرد و هر سوالی که داشتیم پاسخ می‌داد. بهترین لحظات عمر من همان ساعتی است که خدمت شهید صدر می‌رسیدیم.

■ محیط خانواده و شرایط خانوادگی وی چه نقشی در شکل‌گیری چنین شخصیتی داشت؟

شهید صدر در خانواده‌ای زندگی کرد که اصیل، اهل علم و تحصیل‌کرده بودند. مرحوم سیداسماعیل صدر برادر شهید صدر نمونه انسان اهل فضل و عمل بود که ما در کاظمین بسیار خدمت ایشان می‌رسیدیم. محیط خانوادگی شهید صدر پرورش‌دهنده ایشان بود. مجموع این خصوصیات باعث شد که محمداقربا صدر در هر فضایی که وارد می‌شد نوآوری داشته باشد.

■ شهید صدر در فضای سیاسی وقت هم ورود کرد و مبارزات سیاسی گسترده‌ای را با حکومت بعث عراق انجام داد. درباره مبارزات شهید صدر توضیح دهید و اینکه آیا قصد داشتند در عراق حکومت اسلامی ایجاد کنند؟

از زمان پادشاهی عراق تا جمهوری و زمان قومی‌ها و بعضی‌ها حکومتی نیامد که مردم را به‌سمت کمال و رشد سوق دهد. هر حکومتی آمد یا به غرب یا به شرق وابسته بود. حکومت‌ها مزدور و بی‌توجه به ارزش‌های انسانی بودند، اما شهید صدر نمی‌توانست نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشد. از این رو اولین چیزی که مورد توجه وی قرار گرفت تشکیل حزب و ایجاد تشکیلات منسجم بود. به همین خاطر با عده‌ای از علما «حزب الدعوة اسلامی» را تاسیس کردند. حزب الدعوة اسلامی سه مرحله داشت که از ویژگی‌های استثنائی یک حزب بود. مرحله اول فکرسازی بود. باید افراد در این مرحله ساخته می‌شدند تا یک پایگاه عظیم فکری شکل بگیرد و جامعه اسلامی را بپذیرد تا بعد وارد مرحله شناخت سیاسی و مواضع سیاسی شود و بعد از آن به‌طور علنی وارد جامعه شده و صدای خود

را به‌عنوان صدای معترض به‌طور رسا به گوش مردم برسانند و بعد از قوت گرفتن بتوانند دولتی اسلامی در عراق تشکیل دهند.

حزب الدعوة اسلامی نشریاتی داشت که اغلب سرمقاله‌های نشریات را خود شهید صدر می‌نوشت. شهید صدر تلاش کرد در کنار این حزب، تحولات فکری عظیمی در حوزه علمیه ایجاد کند. سعی کرد دانش‌جویان علاوه بر فقه، اصول و عقاید به مسائل روز هم ورود پیدا کنند. البته با کارشکنی‌های زیادی مواجه شد. حوزویان نمی‌پذیرفتند و معتقد بودند این مسئله مناسب حوزه نیست. می‌گفتند طرح این مسائل بدعت در حوزه است و بنیان حوزه را از بین می‌برد؛ درحالی‌که طرح مسائل روز تقویت‌کننده بنیان حوزه بود.

حوزه از نیازهای جامعه فاصله پیدا کرده بود، اما شهید صدر دنبال آن بود که حوزه علمیه را به نیازهای جامعه و مسائل روز نزدیک کند. او یک دانشکده فقه با همکاری محمدرضا مظفر در عراق تاسیس کرد، یک دانشکده اصول دین در بغداد با سرپرستی سیدمرتضی عسگری تاسیس کرد و تلاش کرد برنامه‌های دانشکده‌ها و دروسی که باید در آن‌ها تدریس می‌شد را به اساتید آن ارائه کند.

■ پس شما معتقدید شهید صدر بنای ایجاد حکومت اسلامی در عراق را نداشت و تنها به‌دنبال برداشتن موانع موجود در عراق از سر راه مسلمانان برای رسیدن به جامعه‌عالی اسلامی بود؟

گاهی کلمات سیاسی به‌منزله قدرت‌طلبی استنباط می‌شود، به همین خاطر می‌خواهم بگویم حرکت آقای صدر از قدرت‌طلبی جدا بود. حکومت، هدف شهید صدر نبود حکومت وسیله‌ای برای اصلاح جامعه است. حکومت هدف پیامبر (ع) و انبیاء (ع) نبود، بلکه انبیا (ع) حکومت را وسیله‌ای قرار می‌دادند تا یک جامعه ایده‌آل و خداپسند ارائه دهند. می‌خواهم ذهن شما از حکومت‌طلبی و قدرت‌طلبی نسبت به شهید صدر دور باشد.

■ نگاه شهید صدر به انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) چگونه بود؟

شهید صدر انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان تحقق کل آرمان‌های خود می‌دانست. بالاترین آرمان وی، تشکیل حکومت اسلامی به رهبری ولی فقیه بود. در خواب هم نمی‌دید که چنین اتفاقی بیفتد، اما در ایران چنین مسئله‌ای رخ داد. با آن عظمت و شکوه مردمی و بین‌المللی حکومت اسلامی در ایران شکل گرفت و باعث شد شهید صدر از خود بی‌خود شود.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای پیروان خود پیام می‌داد، جزوه و کتاب می‌نوشت که در انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) ذوب شوید. حتی تئوری‌هایی برای قانون اساسی ایران و شکل حکومت و نیز منش سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می‌نوشت. بعد از شهادت آیت‌الله مطهری، شهید صدر برای او مجلس فاتحه‌خوانی در عراق گذاشت، اما این فاتحه‌خوانی برای وی گران تمام شد. از طرف حکومت مامور به‌سراغ شهید صدر آمد که برای چه چنین مراسمی برگزار کردید؟ شهید صدر به آن‌ها پاسخ داد که آیت‌الله مطهری فرزند حوزه علمیه بود. تأیید این حرکت شهید صدر از سوی امام (ره) باعث شد که شهید صدر را دستگیر کنند. به جرات می‌توانم بگویم شهید صدر بیشتر از آنکه شهید انقلاب عراق باشد، شهید انقلاب اسلامی ایران است.

■ شهادت شهید صدر در چه شرایطی رخ داد؟

قبل از شهادت شهید صدر بارها صدام پیام فرستاد که بیا و نسبت به انقلاب اسلامی ایران اعلام بی‌طرفی کن و بگو هیچ ارتباطی با آن ندارم، ولی شهید صدر حتی نسبت به این مسئله هم کوتاه نیامد.

محمدرضا نعمانی از شاگردان شهید صدر که تا آخرین لحظه حیات با وی بود، این‌ها را به‌طور دقیق نوشته و تمام آن‌ها چاپ شده است. حافظ اسد هم برای آقای صدر پیام داد که به سوریه بیا، ما سوریه را به‌طور کامل به تو تحویل می‌دهیم چون مایل بود سوریه در اختیار کسی قرار گیرد که از نظر علمی، فکری و روشنگری در سطح بالایی قرار دارد تا به‌عنوان افتخارات وی محسوب شود، اما شهید صدر قبول نکرد که عراق را رها کند. اغلب کسانی که شهادت شهید صدر را روایت می‌کنند می‌گویند خود صدام شهید صدر و آمنه را شکنجه داد و آن‌ها را به شهادت رساند. بعد از شهادت شهید صدر و خواهرش، یکی از اطرافیان صدام در زندان به او گفته بود که چطور جرات کردی آقای صدر را بکشی؟ که صدام پاسخ داده بود او جاسوس و وابسته به ایران است، باید کشته می‌شد.

■ ماجرای نبش قبر شهید صدر و پیدا شدن پیکر وی به‌طور سالم از زیر خاک چطور اتفاق افتاد؟

بعد از شهادت شهید صدر دفن وی مخفیانه صورت گرفت و کسی خبر نداشت جز دفن. او بعدها نشان داد که قبر شهید صدر کجاست، کسانی که نقل می‌کنند، می‌گویند جنازه شهید صدر بعد از اینکه نبش قبر شد، به‌طور سالم شناسایی و از آن محل دفن فعلی در نجف منتقل شده است.

بخش اول کتاب «اقتصادنا»ی شهید صدر در مورد اقتصاد اسلامی و بخش دوم آن پاسخ به شبهات و نظرات مارکسیستی و لیبرال دموکراتیک است. این کتاب زاینده شناخت از نیاز جامعه بود

صدر خوبان

نگاهی به زندگی نامه شهید محمدباقر صدر

سیدوحید صادقی

اگر در غرب به دنیا آمده بود، می دیدید «سیدمحمدباقر مظلوم است؛ چون در شرق به دنیا آمده. اگر در غرب به دنیا آمده بود، می دیدید که غرب درباره او چه‌ها می گفت. این مرد واقعا استثنائی است. این مرد در اندیشه‌ها و نظریاتی که مطرح می کند فوق العاده و عجیب است.»

آیت‌الله‌العظمی ابوالقاسم موسوی خوبی شهید سیدمحمدباقر صدر در روز ۲۵ ذی‌القعده سال ۱۳۵۳ هـ ق (۱۰ اسفند ۱۳۱۳ هـ ش) در خانواده‌ای ارجمند و ریشه‌دار که علم و فضل و تقوا در آن سابقه‌ای دراز داشت و از پدر و مادری بزرگوار و بلندمرتبه در شهر مقدس کاظمین، مدفن جد بزرگوارش امام کاظم (علیه‌السلام) دیده به جهان گشود. او دومین فرزند عالم جلیل‌القدر سیدحیدر صدر و نوه مرجع بزرگ جهان تشیع در نیمه اول قرن ۱۴، آیت‌الله‌العظمی سیداسماعیل صدر بود.

آقابرگ تهرانی در کتابش (طبقات اعلام الشیعه) درباره سیدحیدر صدر می نویسد: «بارها چه در زمان پدرش و چه پس از وی، با او دیدار و مجالست داشتم و از علم سرشار و دانش بسیاری آگاهی یافتم. وی همواره در حال تلاش بود و معمولا وقتی در مجلس دانشمندان حاضر می شد باب بحث و گفت‌وگوی علمی داشت و نزد هر که او را می شناخت، محبوب بود». مادر شهید صدر نیز بانویی پارسا و پرهیزکار از خاندان آل یاسین بود. مرحوم آیت‌الله‌الشیخ عبدالحمین آل یاسین بود که در کنار برادری زیست که همگی از عالمان بزرگ و شهره به دانش و تقوا بودند؛ مرحوم آیت‌الله‌الشیخ محمدرضا آل یاسین، مرحوم علامه مجاهد شیخ‌راضی آل یاسین و مرحوم آیت‌الله‌الشیخ مرتضی آل یاسین (رضوان‌الله تعالی علیهم‌الجمعین).

شهید صدر تنها دو سال و هفت ماه در سایه مهر پدر زیست و از آن پس تا زمان مهاجرت به نجف، در دامن لطف مادر و برادرش سیداسماعیل صدر (۱۳۴۰ - ۱۳۸۸ هـ ق) پرورش یافت. وی دومین فرزند این خانواده ارجمند بود و پس از او و در سال ۱۳۵۶ هـ ق یعنی سال درگذشت پدر، خواهر او سیده جلیل‌القدر آمنه (بنت‌الهدی) به دنیا آمد که تا آخرین لحظات عمر در کنار برادرش سیدمحمدباقر در راه ترویج اسلام تلاش کرد و در نهایت همراه او به دست دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید. شهید صدر تحصیلات



امام خمینی (ره) در اقدامی بی‌مانند، برای شهادت شهید صدر، سه روز عزای عمومی و یک روز تعطیل سراسری اعلام کردند.

باشند و آن‌ها نیز امر استاد را اطاعت کردند و هر یک در گوشه‌ای به خدمت به نظام اسلامی مشغول شدند. وی با آنکه مرجعیت گسترده‌ای در عراق و لبنان یافته بود، صراحتا همه را به حمایت از امام خمینی (ره) و انقلاب ایران دعوت می کرد و می گفت: «ما می شنیدیم که چگونه در تاریخ ایمان بر شمشیر پیروز می شود و به‌عنوان یک باور غیبی به این موضوع اعتقاد داشتیم، اما امروز امام خمینی این حقیقت را در عمل مجسم کرد... امروز موسی بر فرعون پیروز شد و همه آرزوهای پیامبران (ع) به تحقق پیوست...».

حزب بعث عراق که فعالیت‌های او را یکی از موثرترین عوامل در تهدید قدرت جانی بعثی می دید به مقابله سخت با او پرداخت و چندین بار او را دستگیر و شکنجه کرد. پس از پیروزی انقلاب ترس رژیم بعث از تکرار تجربه ایران در عراق باعث افزایش فشارها بر او شد. وی پس از ماه‌ها محاصره منزلش که حتی در روزهای پایانی به قطع آب خانه هم کشیده شد، توسط ماموران جلاذ بعث به‌همراه خواهرش بنت‌الهدی به بغداد منتقل شد و پس از شکنجه و بدون کوچک‌ترین خضوعی در برابر خواسته‌های رژیم بعث به دست شخص صدام به شهادت رسید. این حادثه تا مدتی مخفی ماند و پس از اعلام در جهان اسلام آشوبی به پا کرد. امام خمینی (ره) در اقدامی بی‌مانند برای شهادت او سه روز عزای عمومی و یک روز تعطیل سراسری اعلام کرد. در لبنان و پاکستان و عراق و حتی کشورهای اروپایی مانند انگلیس تا مدت‌ها تظاهرات و اعتراض‌ها ادامه یافت.

اما پایان عمر او، پایانی بر این همه نیست. گردآوری و نشر آثار وی مقدمه‌ای برای رجوع دوباره اندیشمندان به افکار ناب او است؛ او که هنوز ابعاد نوآندیشی و ژرف‌نگری‌اش به‌طور کامل شناخته نشده است و هم‌چنان مراکز علمی و پژوهشی به دستاوردهای اندیشه‌سیل و معاصر و تأثیرات سیره در خشان او به‌عنوان میراثی کشف‌نشده می‌نگرند.

اقتصادنا، فلسفتنا و دیگر آثار او در جهان اسلام مطرح شد و چنان تأثیری برجا گذاشت که در الأزر و دیگر مراکز بزرگ علمی اهل سنت به‌عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گرفت و شخصیت‌های برجسته جهان اسلام درباره آثار و اندیشه‌های او زبان به مدح گشودند. پژواک اندیشه‌های او در جهان اسلام کسانی چون محمد تیجانی سملوی از تونس به نجف کشاند و در تغییر نگرش او به اسلام و انتخاب مذهب تشیع موثر بود. این کتاب‌ها روزه گارودی، نظریه پرداز حزب کمونیسم فرانسه را نیز تحت تأثیر قرار داد و باعث شد که او نیز بعدها دست از کمونیسم بشوید و به اسلام بگراید. هم‌زمان با انقلاب اسلامی در ایران، شهید صدر تمام توان خود را در تحکیم پایه‌های انقلاب به کار گرفت. پیش از پیروزی انقلاب پیش‌نویسی برای قانون اساسی نوشت و سپس در مقالاتی به تبیین ابعاد مختلف مورد نیاز حکومت اسلامی پرداخت. او همه شاگردانش در ایران را به حمایت از انقلاب فراخواند و به آن‌ها دستور داد که به هر نحو ممکن در خدمت انقلاب اسلامی



حزب بعث عراق که فعالیت‌های شهید صدر را یکی از موثرترین عوامل در تهدید قدرت جانی بعثی می دید به مقابله سخت با او پرداخت و چندین بار او را دستگیر و شکنجه کرد

زندگی شهید محمدباقر صدر و شهیده بنت‌الهدی در گفت‌وگو با رافائل مائوریلو

حرکت شهید‌الگویی سازنده و پویا است

داوود مازندرانی

رافائل مائوریلو پژوهشگر شیعه‌شناس ایتالیایی، مورخ و متخصص در زمینه اسلام شیعه معاصر، روابط بین‌الملل و ژئوگراف سیاسی، تحلیلگر مسائل خاورمیانه و نیز زبان‌شناس و مترجم است. وی در زمینه تمدن اسلامی، تاریخ و زبان‌شناسی از دانشگاه لاس‌آنجلیس، دارای مدرک دکترای تخصصی است. وی نویسنده کتاب «فرزندان پیامبر (ص) در دوره معاصر؛ مطالعه موردی حوزه نجف» است که در سال ۱۳۹۱ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کرد. او در این کتاب که برای تالیف آن چندین سال در لبنان، عراق و ایران زندگی و پژوهش کرده است، یکی از چهار بخش اصلی را به بررسی خاندان صدر اختصاص داده است. هم‌چنین مقالات متعددی درباره خاندان صدر نوشته است. اهمیت این مطلب از آن رو است که زاویه، روش و نتیجه مواجهه و مطالعه یک اسلام‌شناس اروپایی را که نزدیک دو دهه درباره تشیع، سادات و به‌طور ویژه خاندان صدر به پژوهش پرداخته است، نمایان می‌سازد. این مصاحبه به زبان فارسی انجام شده است. لذا دخل و تصرفی در واژه‌های مورد استفاده نشده است.



و معزز، گروه بزرگی با حضور مردمان و عالمان برجسته تشکیل می‌دهد؛
- رژیم وقت شخصیت مورد نظر و خانواده‌اش -
و معمولاً کل جامعه‌ای که این خانواده عضو از آن است - را تحت ظلم و فشار قرار می‌دهد؛
- عالم سید اغلب به دلیل شهرت و محبوبیت و در نتیجه ترس رژیم از وی محکوم به زندان می‌شود؛

- او سرانجام با مسمومیت و از طرف رژیم وقت کشته می‌شود و گاهی از طریق تجلی الهی در خواب از مرگ خود باخبر می‌شود؛
- عالم سید عالی قدر، پس از مرگ در مقبره خانوادگی نزدیک به امامان (ع) به خاک سپرده می‌شود.

وقتی به کتاب‌های علم تراجم مراجعه می‌کنید، می‌بینید که علمای بزرگی که شما در موردشان می‌خواهید کار کنید یک یا دو تا از این ویژگی‌ها را دارند. البته وقتی درباره سیدمحمدباقر صدر - و تا حدی سیده بنت‌الهدی - مطالعه می‌کنید، می‌بینید که همه این ویژگی‌ها را داراست. یعنی واقعا از بزرگ‌ترین عالمان تاریخ اسلام است و هیچ شکی در این نیست.

اما به‌نظر من سیدمحمدباقر صدر و سیده آمنه (بنت‌الهدی) صدر حتی یک قدم جلوتر از این بزرگان - که من ویژگی‌هایشان را معرفی کردم هستند. چرا؟ ما می‌دانیم که این دو بزرگوار چند ویژگی خاص دارند که همه عالمان شیعه ندارند. از جمله اینکه صاحب برکت و آثار هستند. نقش پیشگام حقیقی یا فرضی در گرویدن مردم مناطق جدید به اسلام دارند؛ شما کتاب‌های سیدمحمدباقر صدر را می‌توانید در لندن، مغرب، ایتالیا و برزیل بخردید. هم‌چنین این شخصیت دارای استقلال اقتصادی است که این یک ویژگی

ویژگی‌ها عبارتند از:
- شخصیت مورد نظر تولد شگفت‌آوری دارد و یا پیش‌بینی تولد شگفت‌آوری برای او شده است؛
- وی در خانواده برجسته‌ای متولد می‌شود؛
- وی در کودکی با فوت پدر مواجه می‌شود؛
- آن سید عالم و خانواده‌اش با مشکلات اقتصادی روبه‌رو می‌شوند؛
- وی قابلیت یادگیری پیش از موعد علوم حوزوی را دارد؛

- شخصیت مورد نظر با کسی از درون خانواده پرآوازه خود مثلاً دختر عالم بزرگ زمان یا دختر بازرگان یا مالکی ثروتمند ازدواج می‌کند؛
- وی در مکتب بزرگ‌ترین عالمان زمان خود درس می‌خواند و در کنار ایشان دانش گسترده‌ای را که در کودکی از پدر، برادر بزرگ‌تر و یا عمویش آموخته بود، عمق می‌بخشد؛
- وی مهارت خاصی در فقه و اصول از خود نشان می‌دهد و قابلیت ذاتی در نوآوری در سنت علمی اسلام شیعی - بدون ایجاد نقصی در آن - دارد؛

- او با تسلط بر زمینه‌های گوناگون بر دیگر مجتهدان زمان خود که تنها در یک زمینه تخصص دارند، برتری می‌یابد؛
- شخصیت مورد نظر به رهبری دینی و یا سیاسی در جامعه تبدیل می‌شود؛
- شخصیت مورد نظر به‌عنوان عالمی دانشمند

شهید محمدباقر صدر و شهیده بنت‌الهدی چند ویژگی خاص دارند که همه عالمان شیعه ندارند، از جمله اینکه صاحب برکت و آثار هستند

فارسی‌ام متناسب با اصطلاحات و مطالب مربوط به سیدمحمدباقر صدر به‌روز شود. به بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی تهران - و بنابراین ایران - که در سه طبقه و به‌تازگی افتتاح شده رفته و دیدم کتاب‌های گوناگونی به زبان‌های متفاوت وجود دارد، اما حتی یک کتاب درباره سیدمحمدباقر صدر وجود نداشت؛ هر کتابی، نه یک کتاب خاص! فروشندگان اصلاً ایشان را نمی‌شناختند و از من پرسیدند: سیدمحمدباقر صدر کیست؟ این اتفاق در کشوری روی داد که اسمش «جمهوری اسلامی ایران» است. من خیلی تعجب کردم. هیچ کتابی درباره یا از سیدمحمدباقر صدر وجود نداشت. این در حالی است که کتاب‌های محمدباقر صدر به زبان‌های گوناگون - البته نه با کیفیت خیلی بالا - ترجمه شده است و مثلاً من می‌دانم که می‌توان کتاب‌های ایشان را در برزیل و به زبان برزیلی خرید. یا مثلاً کتاب «اقتصاد ما» اثر محمدباقر صدر در مغرب به فروش می‌رسد. این گستره عرضه آثار صدر، نشانی روشن از اهمیت ویژه سیدمحمدباقر صدر به‌عنوان متفکری اسلامی و انسانی در تاریخ معاصر دارد.

■ خصوصیات ویژه شهید صدر و نقاط برجسته و خاص زندگی ایشان را در چه می‌دانید؟

وقتی به کتاب‌های علم تراجم مراجعه می‌کنیم و به‌طور کلی درباره علما مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که به‌گواه این کتاب‌ها علمای بزرگ تاریخ اسلام - به‌ویژه سادات - معمولاً چند ویژگی خاص دارند: برخی از این

■ لطفاً در ابتدا در خصوص آنچه باعث اهمیت شهید صدر در جامعه کنونی ما می‌تواند باشد و دلایل اینکه یک پژوهشگر اروپایی چنین موضوعی را برای تحقیق انتخاب می‌کند، توضیح دهید.

شهید سیدمحمدباقر صدر و شهیده سیده‌آمنه (بنت‌الهدی) از جمله کسانی هستند که به اعتراف متخصصان در تحکیم منابع دینی و علمی و معرفتی در دوران جدید نقشی عظیم ایفا کردند و مکتبی فکری و علمی در جهان اسلام دارند و از نگرشی انسانی و جهانی و همه‌جانبه برای تحول انسان معاصر و هدایت او در مسیر فطرت و تکامل حقیقی برخوردار هستند. بررسی زندگی و شخصیت شهید سیدمحمدباقر صدر و شهیده سیده‌آمنه (بنت‌الهدی) صدر از جهاتی چند برای ما و جامعه ما حایز اهمیت است. شخصیت و جامعیت اخلاقی و ایمانی این دو بزرگوار در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی می‌تواند برای مالکوباشد.

من به‌عنوان یک پژوهشگر اروپایی متخصص تاریخ اسلام با تکیه بر منابع دست اول علم تراجم کار می‌کنم. کتاب‌هایی مثل طبقات اعلام الشیعه و تعدادی دیگر از کتاب‌هایی که درباره شهید سیدمحمدباقر صدر - به‌ویژه به زبان عربی - چاپ شده‌اند، همه در کتابخانه خصوصی من در ایتالیا موجود هستند. به یک نکته جالب اشاره می‌کنم: وقتی مرا برای یک سخنرانی درباره شهید صدر دعوت کردند، تصمیم گرفتم یک کتاب درباره محمدباقر صدر به زبان فارسی بخرم و بخوانم تا زبان

دربین

■ بررسی زندگی و شخصیت شهید سیدمحمدباقر صدر و شهیده سیده آمنه صدر از جهاتی چند برای ما و جامعه ما حائز اهمیت است. شخصیت و جامعیت اخلاقی و ایمانی این دو بزرگوار در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی می تواند برای ما الگو باشد.

■ توانایی چشم گیر در پذیرش داوطلبانه خصوصیات فرهنگ جدید و نوآوری های عقیدتی است که این یک ویژگی خاص و شاید از مهم ترین ویژگی های سیدمحمدباقر صدر است.

■ مکتب صدر (و قرائت او) از اسلام راستین و اصول تشیع دوازده امامی مشخص می شود؛ مکتبی متکی بر جهان بینی توحیدی و برخوردار از ابتکارات و نوآوری؛ مکتبی که جهانی و انسانی است و بر تفسیر از جهان هستی و تاثیر پذیری آن از جامعه و مقتضیات زمان، متکی است.

■ سیدمحمدباقر صدر و سیده آمنه صدر (بنت الهدی) در مسیر اسلام بودند و حتی یک قدم جلوتر. این دو بزرگوار یک اطلس حقیقی هستند و مسیری که به ما نشان می دهند این است که ما هم می توانیم با آنان همراه شویم به شرط آنکه اخلاقمان اخلاق اهل بیت باشد.

زمان متکی است. از ویژگی های مهم اخلاقی و شخصیتی این بزرگوار مردم داری، احترام به دیگران، تساهل و تسامح، مهرورزی و مردم دوستی بود. وی برای هر گروه یا فردی که به دیدارش می شتافت یا در مجلس درس و بحث وی وارد می شد یا با او برخورد می کرد یا به مناسبتی در نزدشان از او یاد می شد، احترام قائل بود.

خلاصه سخن اینکه سیدمحمدباقر صدر و سیده آمنه (بنت الهدی) صدر در مسیر اسلام بودند. این دو بزرگوار یک اطلس حقیقی هستند و مسیری که به ما نشان می دهند این است که ما هم می توانیم با آنان همراه شویم به شرط آنکه اخلاقمان، اخلاق اهل بیت (ع) باشد؛ به شرط اینکه مسئولیت حفظ شجره طیبه اهل بیت را بپذیریم و بر عهده بگیریم. نتیجه دیگری که از مسیر سید شهید محمدباقر صدر و سیده بنت الهدی می توان گرفت این است که بدون ترس، متناسب با زمان خود زندگی کنیم و اگر احساس می کنیم که اسلام پاسخگو تمام نیازهای ما نیست، باید بدانیم که مشکل در خود اسلام نیست، بلکه در درک و تفسیری است که ما یا گذشتگان ما از آن ارائه داده اند. پاسخها در اسلام هست و نمونه آن در علم و اخلاق اهل بیت (ع) یافت می شود. ■

دستگیری سیدمحمدباقر صدر باخبر شده بودند، خود را به خانه او رساند و از دستگیری وی جلوگیری کردند. تفاوت اصلی این واقعه با آنچه برای سیدصالح شرفالدین اتفاق افتاد در این است که اعتراض شیعیان در دستگیری سیدمحمدباقر صدر از طرف یک زن سیده عالمه، یعنی بنت الهدی شکل گرفت و سامان دهی شد. سیده بنت الهدی توانسته بود خود را به مسجدی (حرم امیرالمومنین علیه السلام) برساند و مومنان را به اعتراض به زندانی کردن برادرش فراخواند. نمونه ای که حاکی از تفاوت بزرگی در ایفای نقش زنان بین زمان قبل و بعد از وجود شهیده بنت الهدی و سیدمحمدباقر صدر است و تکرار چیزی است که در زمان حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت امام حسین (علیه السلام) و وقوع حادثه کربلا روی داد.

نمونه های بارز دیگری نیز از «شجره طیبه و اطلس حقیقی» به شرط اخلاقی اهل بیت (ع) و مسئولیت حفظ آن «در زندگی نامه بنت الهدی به چشم می خورد. سیده بنت الهدی با وجود خواستگاران بسیاری که به خانواده او رجوع می کردند از ازدواج سر باز زد. او به مقام عالمه (مجتهده) رسید در حالی که آن گونه که گزارش شده است، تحصیل زنان در سنت نجف به خصوص در حوزه فقه، اصول و علم الکلام نامعمول بود. وی هم چنین به عنوان یک زن نویسنده بر جسسته و موثر عرب شناخته شده است که آثاری در حوزه اسلام به رشته تحریر درآورد. وی در باب موضوعات گوناگون از رمان گرفته تا سیاست، قلم به دست گرفت. مجموعه آثار ایشان در لبنان به زبان عربی چاپ شده و البته خدا را شکر به زبان فارسی هم از طرف موسسه تحقیقاتی فرهنگی امام موسی صدر ترجمه شده است و اتفاقاً این کتابها در آن کتابفروشی وجود داشت. بنت الهدی دختران و زنان دانشمند و عالمه بسیاری را تربیت کرد، به خصوص از طریق اداره مدارس برای دختران که در آن زمان تاسیس شده بودند. وی همان طور که می دانید در سال ۱۹۸۰ میلادی همراه با برادرش محمدباقر صدر توسط رژیم وقت دستگیر شد و چند روز بعد از دستگیری همراه با برادرش کشته شد.

■ اگر بخواهیم یک نگاه کلی داشته باشیم در چه مقیاسی می توان حرکت شهید صدر را برای اسلام و تشیع موثر دانست؟

برگردیم به حرکت شهید صدر در تاریخ بشریت. این حرکت الگویی سازنده و پویا تلقی می شود. اهمیت این حرکت به طور ویژه با بررسی مکتب صدر (و قرائت او) از اسلام راستین و اصول تشیع دوازده امامی مشخص می شود؛ مکتبی متکی بر جهان بینی توحیدی و برخوردار از ابتکارات و نوآوری؛ مکتبی که جهانی و انسانی است و بر تفسیر از جهان هستی و تاثیر پذیری آن از جامعه و مقتضیات

باشد، اعمالشان اعمال اهل بیت (ع) باشد، رفتارشان با دیگران، قلبشان و احساسشان، همانند اهل بیت (ع) باشد. در واقع می توان گفت انسانیتشان باید انسانیت اهل بیت (ع) باشد. تحت این شرایط است که «سادات» تلقی می شوند و می توانند از نسل پیامبر (ص) قلمداد شوند».

به این ترتیب اگر کسی از نسل پیامبر (ص) باشد اما در خیابانها پرسه بزند و کار مفیدی انجام ندهد، از اهل بیت (ع) نیست. از اهل بیت (ع) بودن به معنی داشتن مسئولیت است. سادات مسئولیت بسیار سنگینی بر عهده دارند و باید در حفظ آن بکوشند و باز این یعنی همان کاری که شهید سیدمحمدباقر صدر و شهیده بنت الهدی کردند و متأسفانه همه این کار را نمی کنند.

■ درباره شهیده بنت الهدی کمتر شنیده شده است. لطفاً درباره این خواهر برای ما بیشتر بگویید؟

در اینجا به طور ویژه به نقش بنت الهدی می پردازیم. بیابید از پایان قرن هجدهم میلادی به بعد به این موضوع نگاهی بیندازیم. منابع حاکی از آن است که سیدصالح شرفالدین از بزرگان خاندان صدر در دوران حکومت احمد پاشا الجزار زندگی می کرد. حکمران آن زمان با شورش های ضد عثمانی به خصوص از طرف شیعیان مواجه بود. در یکی از این شورشها دو پسر صالح کشته شدند و خود وی نیز دستگیر و به مرگ محکوم شد. در پی دستگیری، سیدصالح شرفالدین ۹ ماه را در زندان سپری کرد، اما زندان بانان که تحت تاثیر تقوا و دینداری او قرار گرفته بودند او را فراری دادند. چندین نسل بعد تلاش برای دستگیری یکی از نوادگان وی یعنی سیدمحمدباقر صدر از طرف حاکم وقت یعنی رژیم صدام صورت گرفت. تلاش برای دستگیری او با اعتراض گسترده شیعیان مواجه شد. آن ها که از قصد

بسیار مهم است. به عنوان عالم و دانشمند دارای قدرت ادغام و تلفیق جهان وطنی و ناحیه گرایی است و قابلیت جهانی سازی با پذیرش نقش بی طرف به خصوص در رابطه با امت اسلامی را دارد؛ مثلاً در اختلاف زدایی بین شیعیان و اهل تسنن می تواند نقش ایفا کند. دارای توانی چشم گیر در پذیرش داوطلبانه خصوصیات فرهنگ جدید و نوآوری های عقیدتی است که این یک ویژگی خاص و شاید از مهم ترین ویژگی های سیدمحمدباقر صدر است.

■ ممکن است قدری جزئی تر بفرمایید؟

می خواهم با اشاره به قرآن بحث را ادامه دهم. وقتی از ویژگی های خاص سیدمحمدباقر صدر و بنت الهدی حرف می زنیم، صحبت از برکت لازم است. بر این اساس به این بخش از سوره نور توجه کنیم:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمَشَاكِهِ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زَجَاةِ الزَّجَاةِ كَأَن هَا كَوْكَبٌ دُرٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ / خدانور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خدانور، همانند چراغ دانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشند، آن چراغ در حبیبی قرار گیرد، حبیبی شفاف و درخشان هم چون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت گرفته شده».

به نظر من این آیه از قرآن به خوبی نقش شجره طیبه و اطلس حقیقی را نشان می دهد. منظورم از شجره طیبه و اطلس حقیقی چه هست؟ خوب است برای فهم این شجره طیبه و اطلس حقیقی به یک بخش از کتاب «فاطمه (س) فاطمه است»، اثر دکتر شریعتی، اشاره کنم:

«زنج و محرومیت، آب و خاک این درختی است که باید در زیر نور وحی بروید و برای آزادی و عدالت ثمر دهد و آغاز آن شجره طیبه ای باشد که هر یک هم چون پرومته ای واقعی مأمورند تا آتش خدایی را از آسمان به زمین آرند و به انسان بخشند و هم چون اطلس حقیقی، باید به راستی بار سنگین تمام زمین را بر دوش خویش نگاه دارند و بایستند!»

این همان کاری است که سیدمحمدباقر صدر و شهیده بنت الهدی در برابر رژیم وحشی صدام کردند.

■ نگاه دیگر افراد خانواده به این شهید بزرگوار و خواهرشان چگونه است؟

شاید بهترین تعریف از شجره طیبه و اطلس حقیق، تعریفی باشد که یک عضو دیگر از این خاندان بزرگ، یعنی سیده رباب صدر، خواهر امام موسی صدر طی مصاحبه ای که با وی در بیروت درباره خاندان صدر به عنوان شاخه ای از درخت سادات داشتیم، ارائه داد.

سیده رباب صدر به من گفت: «ببینید! درست است که خداوند سادات را بخشی از اهل بیت خلق کرده، اما این شرط را گذاشته است که اخلاقشان باید اخلاقی اهل بیت



سیده رباب صدر گفت: «درست است که خداوند سادات را بخشی از اهل بیت (علیهم السلام) خلق کرده، اما شرط گذاشته که اخلاقشان باید اخلاقی اهل بیت باشد»



با ایشان جلسه داشتیم. مجلسی عمومی برگزار و مباحثی در آن مطرح می‌شد که شاید برخی از آنان چاپ شده باشد. به‌عنوان مثال بنده در آن جلسات سوالی را مطرح کردم که در وضع امروز و در این مرحله وظیفه طلاب چیست؟ که ایشان در این باره توضیحاتی دادند و هفته‌های بعد نیز با درخواست شرکت‌کنندگان این مباحث ادامه داشت.

■ **از پاسخ‌های شهید صدر مطلبی در ذهنتان باقی مانده است؟**

ایشان در آن جلسات به اهمیت حوزه علمیه نجف می‌پرداخت و می‌فرمود: «غرب تلاش می‌کند با تمام امکانات این حوزه علمیه را قلع و قمع کند». ایشان از کشور مصر به‌عنوان یکی از قلعه‌های جهان اسلام نام می‌برد که مورد حمله غربی‌ها واقع شده بود. ایشان سخن یکی از تحلیلگران غربی را نقل می‌کرد که گفته بود: جهان اسلام دو بال بنام‌های الازهر شریف و حوزه علمیه نجف دارد که ما امروز بر الازهر مسلط شده و رئیس این نهاد در دست ماست؛ اما هنوز نتوانسته‌ایم حوزه نجف را در دست بگیریم.

■ **پس از انقلاب اسلامی ایران، فشارها در نجف بر آقای صدر بیشتر شد؟**

بله. یعنی‌ها اصرار داشتند که آیت‌الله محمدباقر صدر را متقاعد کنند که دست از حمایت از انقلاب اسلامی بردارد و به ایشان می‌گفتند: «شمارا چه به ایران؟ شما عراقی هستید؛ مرجع عراق هستی و...».

■ **شما در دورانی که ایشان به شهادت رسیدند، در نجف بودید یا ایران؟**

خیر. بنده در ایران بودم. بنده در سال ۱۳۵۱ شمسی به ایران آمدم و ایشان در سال ۱۳۵۹ به شهادت رسید.

■ **آن سال‌هایی که امام خمینی (ره) و شهید صدر در نجف بودند، آیا با هم ارتباطی هم داشتند؟**

بله. میان ایشان و امام رابطه خانوادگی وجود داشت و عیال آقای صدر با خانواده امام راحل (ره) رفت و آمد داشتند.

■ **غیر از رابطه خانوادگی آیا رابطه اجتماعی یا سیاسی با هم داشتند؟ یا شهید صدر در درس خود از امام**

پس از اینکه امام راحل (ره) درس ولایت فقیه را آغاز کردند، شهید صدر این نظریه را تایید کردند و به شاگردانشان سفارش کرد که در درس امام شرکت کنند

■ **در ابتدا از چگونگی آغاز رابطه خودتان با شهید آیت‌الله صدر بفرمایید.**

ارتباط بنده با ایشان از آنجا شروع شد که به پیشنهاد آقای سید نورالدین اشکوری در کلاس‌های ایشان شرکت کردیم. بنده سطح را در نجف خدمت آقا سید کاظم حائری خواندم و بعد با توصیه ایشان به کلاس آقای صدر رفتم. خود ایشان توسط آقای اشکوری با مرحوم صدر آشنا شده بود. فقه و اصول را خدمت شهید صدر گذراندیم. البته ایشان آوازه خوبی هم در حوزه نجف داشت. هر چند شاید برخی حرف‌هایی می‌زدند، او مورد تایید مراجعی هم چون آیت‌الله العظمی خویی بود. بنده از سال ۸۵ قمری با حدود ۲۰ سال سن در درس فقه و اصول ایشان شرکت کردم و از موضوع: «أقل و أكثر» مباحث آغاز کردم. در آن زمان شهید صدر فقه را صبح درس می‌دادند و اصول را عصر.

■ **آیا ارتباط شما محدود به شرکت در همین دو درس بود؟**

ما به غیر از شرکت در درس شهید صدر، شب‌های پنج‌شنبه در منزل آقای اشکوری

مروری بر اندیشه‌های شهید صدر در گفت و گو با آیت‌الله علی‌اکبر دشتی محمودی

اواز همه چیز خودش گذشت

حسام‌الدین حقیقین

آیت‌الله علی‌اکبر دشتی محمودی (ملقب به برهان) فرزند آیت‌الله محمد دشتی در سال ۱۳۶۵ ه. ق. (۱۹۴۵ م) در نجف اشرف به دنیا آمد. در سال ۱۳۸۵ هجری قمری در درس خارج شهید صدر حضور پیدا کرد و از آن پس همواره همنشین و ملازم استاد خود شد و در همه مجالس استاد حضور می‌یافت تا اینکه حزب جنایتکار بعث او را هم چون دیگر طلاب ایرانی الاصل تحت فشار قرار داد و از عراق اخراج کرد. وی پس از اخراج در شهر مقدس قم مستقر شد و با پیروزی انقلاب عظیم ایران بنا بر او امر استاد خود، آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر با تمام توان در خدمت این انقلاب مبارک قرار گرفت. پس از پایان جنگ با دعوت گروهی از مومنین کویت، رهسپار آن دیار شد و در آنجا به هدایت مردم و تبلیغ دین پرداخت. وی سال‌های متعددی در کویت بود اما در آنجا نیز به دلیل اقدامات موثر مذهبی از سوی دولت کویت تحت فشار قرار گرفت و به همراه جمعی از مومنین مجبور به ترک کویت شد. وی هم‌اکنون در قم سکنا گزیده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول است.

دربین



خصوصیات ممتاز را داشته‌اند.

البته پرهیز از ذاتیات (منافع شخصی) یکی از ویژگی‌های بسیار مهم شهید صدر بود. این‌ها کار خدایی است. حضرت حق همیشه در برهه‌ای از زمان افرادی را مسخر می‌کند که از دین و حریم الهی دفاع کنند و اگر این اشخاص نبودند، معلوم نبود که چه اتفاقاتی رخ می‌داد. دشمنان ۱۴۰۰ سال است که با بدترین وسایل و شیوه در حال مبارزه با شیعه هستند و می‌خواهند آن را نابود کنند. اما عده‌ای از اولیاء خدا از حریم و افکار اسلام دفاع می‌کنند و خود را سپر بلا قرار می‌دهند و جانفشانی‌های بسیاری انجام داده و می‌دهند تا اسلام حفظ شود.

البته ایشان به غیر از پرهیز از ذاتیات، نبوغ علمی هم داشت. نبوغ به تنهایی کارساز نیست. برخی عقل و نبوغ دارند ولی در راه غیر خدایی مصرف می‌کنند، اما ایشان آن را در راه خدا خرج کرد.

■ به نظر شما امروز اگر نظام اسلامی بخواهد از اندیشه‌های شهید صدر استفاده کند، کدام یک از بخش‌های اندیشه‌های این شهید بیشتر برای نظام اسلامی ضروری است و باید به آن توجه داشته باشد؟

یکی از معضلات امروز جامعه اسلامی مسئله ریاست که معضلی جهانی است و ایشان برای آن نظریه داشتند. هم‌چنین مسائل پولی و مالی و مباحثی از این دست از دیگر بخش‌هایی است که نظام اسلامی می‌تواند از آن استفاده کند و به آن توجه داشته باشد.

■ آثار شهید صدر چه کمکی می‌تواند بکند؟ کدام بخش‌های آن و کدام اندیشه‌های شهید صدر می‌تواند در حل این معضل کمک کند؟

ایشان در کتاب اقتصادنا، نظریه منطقه‌الفراغی دارد که بنابر آن به فقیه اختیاراتی داده می‌شود. این منطقه‌الفراغی به این معناست که مسائل و مشکلاتی که وجود داشته و راه‌حلی برای آن نیست، به فقیه تحویل داده می‌شود تا آن را حل کند و اگر ضرورت‌ها اقتضا کرد، کاری کند. این خودش راه‌گشااست که آیا فقیه می‌تواند مثلاً حلالی را حرام کند. به‌عنوان مثال بگویم مردم به حج واجب نروند یا مباحث و مثال‌های دیگر. دست فقیه با این منطقه فراغ باز است تا برخی از مشکلات را رفع کند و این از مسائلی است که شهید صدر به آن قائل بوده و دیگر فقها به این شکل به آن قائل نیستند.

■ آن قسمتی از نظر به فقهی شهید صدر که مربوط به مبحث ولایت فقیه در منطقه‌الفراغی می‌شود، به نظر شما امروز می‌تواند راه‌گشا باشد؟

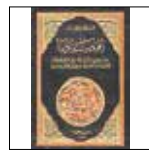
را به‌جامعه عرضه می‌کرد. ولی به اسم جامعه‌العلماء به دست مردم می‌رسید و اعضا پای آن را امضا می‌کردند. حتی ظاهراً شهید صدر ابتدا که فلسفتنا را نوشت نمی‌خواست به اسم خود منتشر کند و پیشنهاد داده بود که همان را هم به اسم جامعه‌العلماء منتشر کنند، اما بعداً به دلایلی این اتفاق نیفتاد.

این جماعت در مناسبت‌های گوناگون از مردم دعوت عمومی می‌کردند و جلسات عظیمی تشکیل می‌شد و جماعت مباحث مورد نظر خود را مطرح می‌کرد. البته فقط یک تجمع ساده نبود؛ جریاناتی وجود داشت و مردم نیز می‌فهمیدند. حالا ظاهرش خیلی مشخص نبود که سیاسی است، ولی پشت پرده سیاسی بود و مردم نیز استقبال می‌کردند و می‌دانستند که این یک اتفاق سیاسی است که جریان اسلامی در عراق را به‌عنوان یک جریان قوی نشان می‌داد. در واقع یک مانور بود.

این مراسم که در کربلا و نجف برگزار می‌شد، بسیار شلوغ می‌شد و دانشجویان و اساتید دانشگاه از بغداد و شهرهای دیگر در آن حضور پیدا می‌کردند و واقعا در آن زمان و در مبارزه با تفکرات ضددینی موثر بود.

■ این مباحثی که فرمودید هم‌چون مرجعیت آیت‌الله حکیم، جامعه‌العلماء و... از مسائل بیرونی است. به نظر شما در خود شخصیت شهید صدر چه چیزهایی وجود داشت که ایشان را از دیگران متمایز می‌کرد و توانست این کتاب‌ها را بنویسد و آن تأثیرات را در جهان اسلام داشته باشد؟

این‌ها دیگر یک بصیرت و دید خدایی است. برخی از انسان‌ها زودتر از دیگران پیش‌قدم بعضی از مسائل می‌شوند که شاید در تمام رهبران دینی این نکته وجود دارد. همانند امام راحل (ره) که در سنین پایین توانست کتاب کشف‌الأسرار را بنویسد. همیشه رهبران دینی که اسمشان در تاریخ ثبت می‌شود این



ایشان در کتاب اقتصادنا، نظریه منطقه‌الفراغی دارد که بنابر آن، به فقیه اختیاراتی داده می‌شود. یعنی مسائل و مشکلاتی که وجود داشته و راه‌حلی برای آن نیست، به فقیه تحویل داده می‌شود

صحبت می‌کرد؟

در درس به‌صورت خاص نه. البته پس از اینکه امام راحل (ره) درس ولایت فقیه را آغاز کردند، شهید صدر این نظریه را تأیید و به شاگردانشان سفارش کرد که در درس امام شرکت کنند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم شهید آیت‌الله صدر به‌ما به‌عنوان شاگردان خود تبریک گفت و پیامی به شاگردانش داد و آن جمله معروف را به ما فرمود: «ذوبوا فی الإمام الخمینی کما ذاب هو فی الإسلام/ در امام خمینی ذوب شوید، همان‌طور که خود او در اسلام ذوب شده است». گمان نمی‌کنم کسی چنین تعبیری برای امام داشته باشد. ایشان بر تأیید امام و انقلاب اسلامی ایران اصرار داشت، تا حدی که از سوی بعضی‌ها تهدید شد و عده‌ای از سوی صدام خدمت ایشان رسیده و گفتند: «اگر از تأیید انقلاب اسلامی دست برداری، نیست و نابود می‌کنیم؛ اما اگر سکوت کنی و هیچ حرفی نزنی، تمام امکانات دولتی را در اختیار قرار می‌دهیم به نحوی که مرجع اعلای عراق باشی». می‌گفتند: «لازم نیست حتی بر ضد انقلاب ایران حرف بزنی؛ فقط ساکت باش و حمایت نکن. همان‌طوری که خیلی‌های دیگر ساکتند». اما ایشان این حمایت و تأیید را وظیفه خود اعلام کرد که و در این راه جان خود را داد.

■ جایگاه شهید صدر در آن زمان چطور بود؟ ایشان چه نقشی در آن دوره ایفا کرد که تا این اندازه از اهمیت ایشان صحبت می‌شود؟

شخصیت مرحوم آقای صدر با فکر و اندیشه‌اش جهانی‌شد. هنگامی که اصل دین، مذهب، حوزه‌های علمیه و... در سده اخیر از سوی رسانه‌ها، مجلات و روزنامه‌های متعدد مورد تهاجم قرار گرفت و نظریه‌پردازی‌های بسیاری انجام شد تا دین از بین برود، شهید صدر در این موضوع ورود کرد و کتاب‌هایی هم‌چون فلسفتنا، اقتصادنا و... را به رشته تحریر درآورد تا در مقابل افکار ماتریالیستی و عقایدی که می‌خواست دین را از مردم جدا کند، بایستد که در آن زمان بسیار اثرگذار بود.

کتاب‌هایی که از این شهید نام بردم، واقعا کارهای بزرگی بود که پس از عرضه آنان، آنقدر اثرگذار بود که حتی از سوی توده‌های و مخالفان جریانات دینی مورد تهدید قرار گرفتند. در نهایت هم که وقتی انقلاب اسلامی آغاز شد، ایشان در همان مسیر ایستاد و جان خود را نیز تقدیم کرد.

■ مؤسس جامعه‌العلماء چه کسی بود؟

همه چیز آن توسط شهید صدر بود و آقایان هم می‌پذیرفتند. به‌عنوان مثال مقالات این تشکل را ایشان می‌نوشت و مباحث فکری

■ شهید صدر بر تأیید امام و انقلاب اسلامی ایران اصرار داشت، تا حدی که از سوی بعضی‌ها تهدید شد و عده‌ای از سوی صدام خدمت ایشان رسیده و گفتند: «اگر از تأیید انقلاب اسلامی دست برداری، نیست و نابود می‌کنیم».

■ شهید صدر کتاب‌هایی هم‌چون فلسفتنا، اقتصادنا و... را به رشته تحریر درآورد تا در مقابل افکار ماتریالیستی و عقایدی که می‌خواست دین را از مردم جدا کند، بایستد که در آن زمان بسیار اثرگذار بود.

■ پرهیز از ذاتیات (منافع شخصی) یکی از ویژگی‌های بسیار مهم شهید صدر بود. این‌ها کار خدایی است. حضرت حق همیشه در برهه‌ای از زمان افرادی را مسخر می‌کند که از دین و حریم الهی دفاع کنند و اگر این اشخاص نبودند، معلوم نبود که چه اتفاقاتی رخ می‌داد.

■ یکی دیگر از مسائلی که تقریباً تمام شاگردان شهید صدر (رضوان‌الله‌علیه) بر آن اتفاق نظر دارند، فکر جامع ایشان بود و وقتی مبحثی از فقه یا دین دیگری مطرح می‌کرد، با یک شمول و جامعیت آن را طرح می‌کردند.

■ ایشان مرجع اعلی نبودند، اما مرجعی بودند که در جهان اسلام از ایشان به‌عنوان مرجعی بزرگ استفاده می‌شد و اگر زنده می‌ماند حتماً به آن بالاترین درجات (دنیوی و اجتماعی و سیاسی) می‌رسید. ولی ایشان روی تمام این مباحث پا گذاشت و گفت: «ذوب در امام شوید».

بله، این قسمت از نظریه شهید صدر بسیار راه‌گشااست. معرفی شهید صدر یعنی معرفی علم، معرفی دین، معرفی انقلاب و واقعا همه چیز در آن هست.

ایشان مرجع اعلی نبودند اما مرجعی بودند که در جهان اسلام از ایشان به‌عنوان مرجعی بزرگ استفاده می‌شد و اگر زنده می‌ماند حتماً به آن بالاترین درجات (دنیوی و اجتماعی و سیاسی) می‌رسید. ولی ایشان روی تمام این مباحث پا گذاشت و گفت: «ذوب در امام شوید». خود ایشان نیز فرمود: «من یک سرباز امام هستم و این نظام را دوست دارم و آرزو مندم که خدمتگزار این نظام باشم». او جان و مرجعیت خود را در این راه تقدیم کرد

اسلام راهبر زندگی

نگاهی به کتاب تازه ترجمه شده از مجموعه آثار شهید صدر

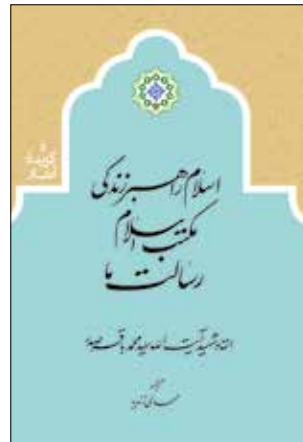
سعید فلاخی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، شهید محمدباقر صدر در اواخر عمر شریف خود با طرح سلسله مباحث «الاسلام یقود الحیاه/اسلام، راهبر زندگی» کوشید تا به فراخور نیازهای فرهنگی و فکری جامعه اسلامی در سایه حاکمیت اسلام، پاسخی درخور به این نیازها ارائه دهد. او در این مباحث که شامل شش رساله است، اجمالی از مسائل مهمی را که امت اسلامی پس از پیروزی انقلاب و به دست گرفتن حکومت با آن‌ها روبه‌روست، بیان کرده است. مباحثی چون دکترینی درباره پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی، طرحی از اقتصاد اسلامی، نقش انسان و امت در حیات سیاسی جامعه، تبیین منابع قدرت سیاسی از دیدگاه اسلام و بانک در جامعه اسلامی.

«دکترینی درباره پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی»، بخش اول این کتاب است که شهید صدر پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگارش آن را آغاز کرده است و در آن مبتنی بر مبانی فقه شیعه، نظام

سیاسی‌ای را برای پیاده‌سازی در ایران پس از پیروزی انقلاب معرفی می‌کند. این بخش بنا به گزارش‌های مختلف از جمله منابعی بوده است که در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و مطالعه مجلس خبرگان قانون اساسی قرار گرفته است.

بخش دیگری از این کتاب نیز «طرحی از اقتصاد اسلامی» است که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و اندکی قبل از همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی به نگارش درآمده و هدف از آن تبیین رویکرد کلان اسلام به حوزه اقتصاد بوده است. شهید صدر در ابتدای این بخش می‌نویسد: «وقتی با این ملت بزرگ، یعنی ملت بزرگ مسلمان ایران که با جهاد، خون و قهرمانی بی‌نظیرش، تاریخ اسلام را از نو نگاشت و نمونه‌ای گویا و زنده از روزگار نخستین اسلام در تمامی عرصه‌های شجاعت و ایمان و حماسه، به جهان ارائه داد، سخن می‌گویم، احساس افتخاری بزرگ مرا فرامی‌گیرد. هم چنین وقتی که این ملت را در برابر برهه‌ای عظیم که نه تنها نقطه عطفی



کتاب «الاسلام یقود الحیاه/اسلام، راهبر زندگی» شامل شش رساله است که مباحثی در مورد امت اسلامی پس از پیروزی انقلاب و مسائل پیش روی آن را بیان کرده است.

در تاریخ این ملت، بلکه نقطه عطفی در حیات تمامی امت اسلامی به‌شمار می‌رود، می‌یابم، احساساتم عمق بیشتری می‌یابد. در این برهه ملت مجاهد ایران به‌پا خواهد خاست تا به جمهوری اسلامی مطرح شده از طرف رهبری این قیام یعنی امام خمینی، رای مثبت دهد و با این رای مثبت، از نو بر ایمانش به اسلام، که قبلاً با دادن قربانی‌ها و انواع ایثار و جهاد اظهار کرده بود، تاکید ورزد و با کلمه «آری» که ملت مجاهد ایران به جمهوری اسلامی خواهد گفت، مرحله جدیدی را در حیات مسلمانان آغاز کند؛ مرحله‌ای که آن‌ها را از تاریکی‌های جاهلیت به نور توحید و از بهره‌کشی انسان



شهید صدر:
وقتی با ملت بزرگ و مسلمان ایران که با جهاد، خون و قهرمانی بی‌نظیرش، تاریخ اسلام را از نو نگاشت سخن می‌گویم، احساس افتخاری بزرگ مرا فرا می‌گیرد

از انسان به بندگی خالصانه خداوند متعال رهبری کند که بنیاد حقیقی آزادی، عدالت و برابری را تشکیل می‌دهد... شریعت اسلامی گزینه‌ای میان دو گزینه نیست، بلکه گزینه‌ای است که انتخابی جز آن وجود ندارد؛ زیرا این شریعت، حکم و فرمان خدا بر روی زمین و قانونی است که جایگزینی ندارد. خداوند فرموده است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ/ و هیچ مرد و زن مومنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد». اما خواست امام خمینی این بود که ملت مسلمان ایران بار دیگر با آگاهی و قاطعیت، اختیار، اراده و شایستگی خود را برای تحمل بار این امانت بزرگ به اثبات برساند.

در چاپ پژوهشگاه تخصصی شهید صدر، دو کتاب دیگر از آثار شهید صدر نیز همراه با «اسلام راهبر زندگی» به چاپ رسیده است.

«مکتب اسلام» بخش دوم این مجلد است. شهید صدر در این اثر کوشیده است اندیشه و مفاهیم اسلامی را که در دو کتاب «اقتصاد ما» و «فلسفه ما» به شکل تخصصی مطرح شده است در سطحی عمومی بازتاب دهد. برخی از عناوین این بخش عبارتند از: «انسان معاصر و مشکل نظام اجتماعی»، «دیدگاه اسلام درباره آزادی و تامین اجتماعی» و «از اقتصاد اسلامی چه می‌دانید؟»

«رسالت ما» نیز بخش سوم از این مجلد است. «رسالت ما» شامل مقالاتی است که با همین نام به‌عنوان سرمقاله‌هایی در مجله «الاضواء» به چاپ رسیده بود. این مجله در دهه پنجم قرن بیستم میلادی از سوی گروهی از علمای نجف اشرف منتشر می‌شد. این سرمقاله‌ها به موضوعات زیر می‌پردازند:

- شرط اساسی نهضت امت اسلامی؛
- رسالت ما و دعوت گران؛
- رسالت ما، شالوده احساس و عاطفه؛
- رسالت ما و شاخصه‌های اساسی آن؛
- رسالت ما، مبنایی فکری.

این کتاب که ترجمه جلد پنجم از مجموعه آثار شهید صدر با عنوان «موسوعه الإمام الشهید السید محمد باقر الصدر» است به همت پژوهشگاه تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر) و توسط حجت الاسلام والمسلمین مهدی زندیه، به فارسی ترجمه شده و در ۴۶۵ صفحه به چاپ رسیده است.